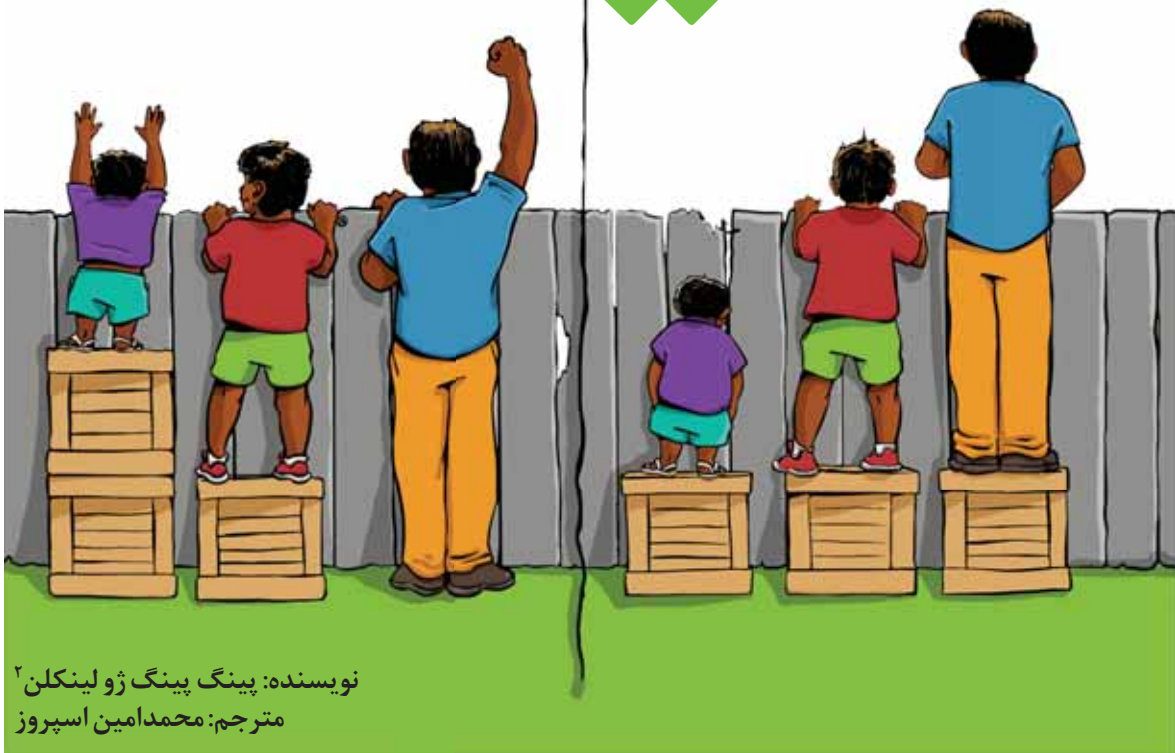


برابری آموزشی یا عدالت آموزشی؟!^۱



نویسنده: پینگ پینگ ژو لینکلن^۲
مترجم: محمدامین اسپروز

افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای «تحصیل برابر» دو مفهوم اساسی وجود دارد: برابری آموزشی و عدالت آموزشی.

مفاهیم برابری آموزشی و عدالت آموزشی

برابری آموزشی، کفایت آموزشی^۳ و عدالت آموزشی سه مفهوم مرتبط هستند. برابری آموزشی معمولاً با عدالت اجتماعی مرتبط است. حق تحصیل برابر برای همه افراد جامعه، نشانه‌ای از دموکراسی و یک بخش مهم از حقوق بشر است. برابری آموزشی، بخش مهمی از عدالت اجتماعی است و باعث تغییرات اجتماعی مثبتی در جامعه می‌شود. برابری آموزشی معمولاً واجد عناصر یا ویژگی‌های زیر است:
۱. دسترسی به مراکز و منابع آموزشی؛

برابری آموزشی^۳ و عدالت آموزشی^۴، با وجود داشتن ارتباط معنایی، با یکدیگر متفاوت‌اند و گاه به اشتباه به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. در مفهوم «برابری»، تمرکز بر این است که شهروندان منافع و حقوق یکسان داشته باشند، اما «عدالت» به معنی ایجاد شرایط عادلانه برای افراد مختلف است. این دو مفهوم با یکدیگر همپوشانی دارند و گاه هنگام پیاده‌سازی با یکدیگر در تضاد واقع می‌شوند. در این مقاله به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و روان‌شناختی برابری آموزشی و عدالت آموزشی می‌پردازیم و راهکارهایی برای دوراهی عدالت و برابری ارائه خواهد شد.

تحصیل برابر، مفهومی بین‌رشته‌ای است که نیاز به تفسیری جامع دارد. تحصیل، به‌عنوان یک فعالیت اجتماعی مهم، تمام

۲. آموزش برابر در حوزه‌های مختلف؛

۳. منابع یکسان؛

۴. محیط آموزشی بدون تعصب و وجود تعامل مثبت.

موارد فوق را می‌توان در دو گروه توزیع منابع آموزشی (موارد ۱ و ۳) و توزیع شیوه و رویکرد آموزشی (موارد ۲ و ۴) دسته‌بندی کرد.

هدف هر سه مفهوم برابری آموزشی، کفایت آموزشی و عدالت آموزشی، ایجاد تحصیل برابر است، اما از هر کدام، به دلیل تمرکز و نقطه‌نظر متفاوت، تفاسیر بسیار متفاوتی ممکن است ارائه شود. برای مثال در مورد توزیع منابع آموزشی، رویکرد برابری آموزشی این است که ارائه منابع بسیار زیاد به دانش‌آموزانی که احتمال موفقیت‌شان بیشتر است عادلانه نیست، بلکه منابع باید برابر تقسیم شوند. با رویکرد کفایت آموزشی، ارائه منابع بیشتر به دانش‌آموزان موفق عادلانه است، زیرا در نهایت آن‌ها هستند که به جمع نخبگان جامعه می‌پیوندند. با رویکرد عدالت آموزشی، هر دو موضع بالا یک‌جانبه است. در عدالت آموزشی، تمرکز بر افزایش کمی نتایج تحصیلی دانش‌آموزان محروم یا میزان موفقیت دانش‌آموزان موفق نیست، بلکه تمرکز بر بهبود کیفی دریافت آموزش مناسب توسط همه دانش‌آموزان است.

برابری آموزشی و عدالت آموزشی از نگاه کنفسیوس

کنفسیوس، فیلسوف و آموزگار چینی، ۲۵۰۰ سال پیش در خصوص مفاهیم برابری آموزشی و عدالت آموزشی نظر داده است. در امپراتوری چین، در دودمان ژوی غربی، حکومت دو نوع مدرسه را اداره می‌کرد: مدارس مرکزی و مدارس محلی. آن مدارس با مدارس دولتی امروز بسیار متفاوت بودند، زیرا مختص اشراف بودند و برای شهروندان عادی ورود به آن‌ها بسیار دشوار بود. کنفسیوس اولین کسی بود که در چین مدارس خصوصی را تأسیس کرد. ورود به این مدارس بسیار ارزان بود و شهروندان فقیر نیز امکان تحصیل در آن‌ها را داشتند. کنفسیوس به دو مفهوم اصلی در آموزش اشاره می‌کند؛ اول اینکه آموزش باید در اختیار همه، بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی و اقتصادی فرد، قرار گیرد و این به معنی برابری آموزشی است. دوم اینکه آموزش باید با نیاز و قابلیت یادگیری هر فرد متناسب باشد؛ و این بخش کلیدی عدالت آموزشی است.

نقطه‌نظر اجتماعی، اقتصادی و اطلاعاتی

هدف برابری آموزشی، آموزش به تمام دانش‌آموزان از طریق توزیع برابر منابع آموزشی است. برابری آموزشی دارای سه سطح اجتماعی یا سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی است، به عبارت دیگر برابری آموزشی را می‌توان از سه جنبه تفسیر کرد: عدالت اجتماعی برای ایجاد فرصت برابر برای تحصیل،

سهم یکسان از منابع آموزشی و دسترسی مساوی به اطلاعات آموزشی. این سه جنبه را می‌توان به سه بخش پذیرش، دسترسی و اطمینان، دسته‌بندی کرد.

پذیرش

امکان پذیرفته شدن برای آموزش در مدارس دولتی یا خصوصی، جنبه اجتماعی برابری آموزشی است. حق تحصیل برای همه دانش‌آموزان بخشی از عدالت اجتماعی است. اما پذیرش برابر، مفهومی نسبی است و بستگی به میزان اعمال برابری دارد. برای مثال در اکثر کشورها همه می‌توانند به مدارس دولتی بروند. اما پذیرش در مدارس دولتی بهتر، گاه نیازمند پرداخت هزینه‌های زیاد یا اقامت در منطقه‌ای مرفه است. همچنین در برخی از مدارس، تحصیل در برخی از کلاس‌ها فقط مختص دانش‌آموزانی خاص است. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان مرفه، موقعیت بیشتری برای پذیرش در مدارس بهتر را دارند. پذیرش در مدارس خصوصی نیز، تنها با پرداخت هزینه ممکن است.

دسترسی

تقسیم برابر منابع آموزشی علاوه بر میسر نمودن دسترسی دانش‌آموزان به مدارس و آموزگاران مناسب، منجر به دسترسی آنان به منابع و ابزار آموزشی مناسب نیز می‌شود. توزیع برابر منابع آموزشی، به بخش‌های مختلف یک جامعه یا کشور مربوط است، مواردی مانند ساختار شهری - روستایی، کیفیت و کمیت منابع آموزشی که به قدرت

اقتصادی حکومت در بخش آموزش مرتبط است. توزیع نابرابر منابع آموزشی در همه کشورها وجود دارد و بسته به موقعیت، می‌توان راهکارهای متفاوتی برای تعدیل آن اتخاذ کرد.

در کشور چین، سرمایه‌گذاری آموزشی در مناطق شهری و روستایی، و نیز در شرق و غرب کشور، بسیار متفاوت است. برای مثال تخصیص بودجه به مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، ۳ به ۱ است؛ و یا در سال ۲۰۰۰ میلادی، بودجه تخصیص داده شده به هر دانش‌آموز در شانگهای بیش از ۱۰ برابر هنان^۶ بود. در آمریکا، با اینکه این اختلاف بودجه کمتر است، اما آموزگاران باتجربه‌تر، بیشتر در مدارس موفق‌تر تدریس می‌کنند و والدین متمول فرزندان‌شان را به مدارس خصوصی می‌فرستند تا دسترسی بیشتری به منابع آموزشی داشته باشند.

دسترسی به منابع آموزشی با کیفیت بالا، مستقیماً بر یادگیری، امکان قبولی در دانشگاه و موفقیت اجتماعی

در عدالت آموزشی، تمرکز بر افزایش کمی نتایج تحصیلی دانش‌آموزان محروم یا میزان موفقیت دانش‌آموزان موفق نیست، بلکه تمرکز بر بهبود کیفی دریافت آموزش مناسب توسط همه دانش‌آموزان است

دانش آموز تأثیر می‌گذارد. دسترسی برابر به منابع آموزشی نیز به میزان توازن اقتصادی مناطق مختلف و نظام آموزشی آموزگاران بستگی دارد.

اطمینان

دسترسى برابر به اطلاعات آموزشی باعث می‌شود دانش‌آموزان و والدین تصمیمات آموزشی خود را با آگاهی بیشتری اتخاذ کنند. اطمینان یعنی همگی آگاهی کافی از موقعیت‌های آموزشی موجود را داشته باشند. با اطلاعات آموزشی بیشتر، والدین می‌توانند بهتر برای فرزندانشان تصمیم‌گیری کنند. اطلاعات آموزشی، گاهی میان گروهی از جامعه بیشتر از سایر بخش‌ها وجود دارد. برای مثال در دهه ۱۹۵۰ میلادی در چین، ۸۰٪ جمعیت بی‌سواد بودند و اکثر آن‌ها در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. دانش‌آموزان این مناطق هیچ‌گونه اطلاعات آموزشی برای پیشرفت در اختیار نداشتند. همچنین این نابرابری ممکن است در یک منطقه نیز رخ دهد، برای مثال والدین فقیر معمولاً علاقه‌ای به مشارکت در فعالیتهای مدرسه ندارند.

نقطه‌نظر آموزشی، فرهنگی و روان‌شناختی

همان‌طور که برابری آموزشی بر سه موضوع پذیرش، دسترسی و اطمینان متمرکز است، عدالت آموزشی هم بر سه اصل متناسب بودن، کافی بودن و قابل دریافت بودن متمرکز و از نقطه‌نظر آموزشی، فرهنگی و روان‌شناختی قابل تحلیل است. برابری آموزشی به مثابه سخت‌افزار تحصیل برابر است که موضوعات فیزیکی آموزش را مدنظر قرار می‌دهد، و عدالت آموزشی به مثابه نرم‌افزار تحصیل برابر است که موضوعات معنوی آموزش را پوشش می‌دهد.

عدالت آموزشی بر روی موضوعات آموزشی، محتواها و روش‌هایی متمرکز است که برای همه دانش‌آموزان متناسب، کافی و قابل دریافت باشد. هدف عدالت آموزشی، آموزش به دانش‌آموزان به گونه‌ای است که استعدادهایشان شکوفا شود.

آموزگاران باید با شیوه‌های مختلف یادگیری آشنا باشند. این شیوه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: تصویری، صوتی و حرکتی. اگر آموزگاران تنها از یک شیوه آموزشی استفاده کنند، دانش‌آموزانی که سبک یادگیری متفاوتی دارند در شرایط سخت‌تری قرار می‌گیرند و دسترسی آن‌ها به اطلاعات آموزشی کافی نخواهد بود

متناسب بودن

در عدالت آموزشی، محتوای آموزشی از لحاظ کیفی و کمی باید با نیازها و قابلیت‌های دانش‌آموزان متناسب باشد. دانش‌آموزان با هم متفاوت هستند، به همین دلیل در تمامی جنبه‌های آموزشی، اعم از برنامه‌درسی، کلاس‌بندی دانش‌آموزان و روش‌های تدریس باید این چالش در نظر گرفته

شود. معمولاً در کشورها دو برنامه خاص آموزشی برای دو گروه از دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود: دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان استثنايي که باید در نظر داشت ارائه آموزش خاص مطابق با نیاز این دو گروه، تنها بخش کوچکی از جمعیت دانش‌آموزان را پوشش می‌دهد. گروه بزرگی از دانش‌آموزان متوسط، نیازهایشان نادیده گرفته شده است.

برای رسیدن به تناسب آموزشی، باید هنگام آموزش، نحوه یادگیری دانش‌آموزان شامل پیش‌زمینه فرهنگی، استعدادها و شیوه یادگیری مانند یادگیری تصویری، صوتی یا حرکتی را مدنظر قرار داد.

کافی بودن

عدالت آموزشی در سطح فرهنگی به این معناست که همه دانش‌آموزان باید با توجه به پیشینه فرهنگی و زبانی خود، دانش کافی برای شکوفایی استعدادهای خود را کسب کنند. دانش‌آموزان اقلیت، معمولاً سال‌های اولیه زندگی خود را در محیط فرهنگی متفاوتی سپری کرده‌اند و حتی ممکن است به زبان دیگری سخن بگویند که این تفاوت زبانی می‌تواند بر روی درک آن‌ها از درس تأثیر بگذارد. تفاوت فرهنگی نیز باعث می‌شود اطلاعات آن‌ها از جریان اصلی جامعه متفاوت باشد. برای اطمینان از اینکه این دانش‌آموزان به همراه اکثریت دانش‌آموزان، آموزش کافی دریافت کنند، مدارس و آموزگاران باید در برنامه‌درسی و فعالیت‌های کلاسی، عناصر فرهنگی مختلف را بگنجانند.

قابل دریافت بودن

عدالت آموزشی در سطح روان‌شناختی به این معناست که دانش‌آموزان باید بر اساس سبک یادگیریشان، دسترسی کافی به اطلاعات آموزشی داشته باشند. به عبارت دیگر باید رفتار دانش‌آموزان را برای یادگیری و روش‌های تدریس مدنظر قرار داد تا میزان رضایت دانش‌آموزان از یادگیری افزایش یابد. برای این منظور آموزگاران باید با شیوه‌های مختلف یادگیری آشنا باشند. این شیوه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: تصویری، صوتی و حرکتی. اگر آموزگاران تنها از یک شیوه آموزشی استفاده کنند، دانش‌آموزانی که سبک یادگیری متفاوتی دارند در شرایط سخت‌تری قرار می‌گیرند و دسترسی آن‌ها به اطلاعات آموزشی کافی نخواهد بود.

* پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله، خلاصه‌ای از مقاله Educational Equality or Educational Equity است که در مجله NUCB Journal of Economics and Information Science Vol. 60 No.1 منتشر شده است.
2. PingPing Zhu Lincoln
3. educational equality
4. educational equity
5. educational adequacy
6. Henan